



در شرایط خاصی بودند. یک کار جالبی اینجا شد. آن نصفی که سید عیسی همراه با لیست اسامی برای ما ارسال می‌کرد، طبق آن اسامی، قبض‌ها را می‌نوشتیم، مهر امام هم پای آن قبض‌ها می‌خورد به نام تک‌تک پرداخت‌کننده‌ها و ایشان هم قبوض را به دست پرداخت‌کننده‌ها می‌رساند. آن نصف دومی که برای تحویل به امام بود ما هر دفعه آن وجه را به صندوق وجوهات نمی‌ریختیم، عین آن را هر بار، بنده خدمت امام می‌بردم و امام این نصف را با توجه به شرایط خاص لبنان و مخصوصاً بعد از شکل‌گیری حزب الله، اجازه می‌دادند که به لبنان برگردد. یعنی در طول این ۷-۸ سال آن نصف وجوهات هم به لبنان برگشت داده شد.

اطلاع دارید با این وجوهات چه کاری در لبنان انجام شد؟

با هماهنگی انجام شده صندوقی به نام صندوق بیت‌المال شکل گرفت که با گذشت زمان و با تجمیع ارقام مرجوع شده به علاوه مساعدت‌های خیرین لبنانی، این صندوق قرض الحسنه به صورت پشتوانه مؤثر و بزرگی برای کمک به شیعیان از طریق قرض الحسنه جا افتاد، مصداق برجسته‌ای از حسنه‌جاریه که هزاران هزار گره را از کار شیعیان لبنان و رزمندگان حزب الله گشود.

در مقطعی که آقای طباطبایی مسئولیت بنیاد شهید لبنان را داشتند، حضرتعالی مسئول بنیاد شهید بودید. از عملکرد ایشان خاطراتی دارید؟

ایشان از قبل از مسئولیت بنده در بنیاد شهید پایه‌گذار و شکل‌دهنده بنیاد شهید و کمیته امداد در لبنان بود. بنده هم با توجه به شناختی که از ایشان داشتم، او را ابقا و تقویت کردم و در ضمن سازماندهی جدید بنیاد شهید، بنیاد لبنان هم در شاکله یک اداره کل که دارای شعبه‌هایی در چند شهر دیگر لبنان بود، سازماندهی شد. آقای سید عیسی علاوه بر مدیریت مجموعه بنیاد شهید لبنان و کمیته امداد نقش جهادسازندگی را هم در بعضی از روستاهای لبنان ایفا کرده و مشکلات کشاورزها را برطرف می‌کرد. در همان زمان مراکز فرهنگی امام خمینی را هم در شهرهای مختلف لبنان احداث می‌کرد. آسید عیسی در پوست خودش نمی‌گنجید، دائم در تلاش بود تا در هر عرصه‌ای که بتواند، کاری را انجام بدهد. به هر حال بعد از سال‌های طولانی خدمت مجاهدانه و عاشقانه در بنیاد شهید با نظر خود ایشان، شخص دیگری را از خود لبنانی‌ها، مسئول بنیاد شهید لبنان گذاشتیم و آقای سید عیسی همچنان تا آخر با ما همکاری داشت. ایشان در ارتباط با خانواده شهیدان بهترین شیوه تربیتی و اخلاقی و حفظ عزت نفس را اعمال کرده بود، به گونه‌ای که خانواده‌ها را در اوج ارستگاری و عزت نفس شاهد بودیم. در طول ۲۵ سالگی که بنده در بنیاد شهید بودم و خانواده شهیدان از لبنان به ایران می‌آمدند، من دو مورد نامه از خانواده شهدای لبنانی داشتم. موضوع یک نامه این بود که آقای سید عیسی که پرسر هم راه شهید را طی کند، نامه دوم هم این بود که ما یک مریضی داریم، برای شفای او دعا کنید.

شبکه تلویزیونی المنار را چگونه راه‌اندازی کردند؟

در اواخر حیات حضرت امام یک روز که برای چند نفر از سران حزب الله لبنان وقت دیدار با امام را گرفته بودم، بعد از دیدار در دفتر با آنها صحبت می‌کردیم. مطرح شد که در لبنان چند شبکه تلویزیونی وجود دارد؟ گفتند ده‌ها شبکه. گفتیم چند شبکه برای شیعیان است؟ گفتند هیچ. این سؤال جرقه‌ای شد تا بعد از اینکه امام از دنیا رفتند و بنده به بنیاد شهید آمدم، بعد از چندی این سؤال را مجدداً در سفر لبنان مطرح و پیگیری کردیم. سرانجام مبلغی را از اینجا و آنجا جمع و جور کردیم و به آقای سید عیسی دادیم برای ایجاد یک شبکه تلویزیونی، و با پیگیری و تلاش ایشان تلویزیون المنار تأسیس شد. مرکز آن در زیرزمین یک ساختمان چند طبقه بود به خاطر شرایط امنیتی چون هنوز جنگ‌های داخلی لبنان ادامه داشت و آنتن پخش آن بالای منار مسجد رسول اعظم (ص) - که در دل بیمارستان رسول اعظم (ص) متعلق به بنیاد شهید قرار دارد - نصب شد و به همین مناسبت، المنار نامیده شد و یک طلبه روحانی به نام شیخ حسن حمادی به عنوان مدیر این شبکه منصوب شد. در سفر دیگری که به لبنان داشتیم، طی جلسه‌ای با شهید سیدعباس موسوی (دبیرکل وقت حزب الله) توافق کردیم که با رقمی به اندازه رقمی که هزینه شده بود، حزب الله مشارکت کند. تا آن زمان پوشش آنتن المنار محدود بود اما با مشارکت حزب الله، دایره پخش برنامه‌های المنار گسترش پیدا کرد و طی سفر دیگری به لبنان، کل مدیریت المنار را به



حزب الله واگذار کردیم و با اهتمام حزب الله تا آنجا تجهیز و گسترش یافت که نقش مهمی در جنگ ۳۳ روزه ایفا کرد.

در مورد راه‌اندازی بیمارستان رسول اعظم (ص) هم خاطره‌ای دارید؟

وقتی بیمارستان رسول اعظم به بنیاد شهید واگذار شد، بسیار محدود بود اما در طول سال‌های دهه نود و اوایل دهه هشتاد تقریباً هر بار که به لبنان می‌رفتیم، بخش جدیدی را افتتاح می‌کردیم و تا جایی با همت بلند سید عیسی از جهت کمیت و کیفیت ارتقا یافت که بر اساس ارزیابی یک سازمان جهانی ذریبط، بیمارستان رسول اعظم (ص) بعد از بیمارستان امریکایی در کل لبنان حایز رتبه اول اعلام شد اما سید بزرگوار به این هم قانع نبود. می‌گفت، فاصله بین بیروت تا مرزهای لبنان و مناطق درگیری با اسرائیل زیاد است، باید کاری بکنیم که هم برای حفظ جان رزمندگان و هم برای شیعیان و مردم خوب جنوب امکانات درمانی لازم را فراهم کنیم. سید عیسی زمینی را در حومه نبطیه در جنوب لبنان تهیه کرد و با توجه به اینکه در آن زمان برنامه سرمایه‌گذاری عمرانی جدید نداشتیم، به شوخی گفتم اگر قبول کنید کار سخت به عهده بنده بقیه به عهده خودت، اشکال ندارد. من کلنگ بیمارستان را می‌زنم ساخت آن به عهده شما! به هر حال مراسم کلنگ‌زنی برگزار شد و در این اثنا صدای توپخانه ارتش اسرائیل که تا آن زمان از جنوب لبنان رانده نشده بود، باعث شد خیلی زود مراسم تمام شود و جناب سید با عزم راسخ کار احداث بیمارستان را با نام شهید شیخ راغب حرب، شروع کرد و جز لوازم بهداشتی که از محصولات ساخت داخل از ایران با چند تریلی از طریق ترکیه ارسال کردیم، با کمک خیرین ساختمان بیمارستان را تکمیل کرد و تجهیز آن توسط هلال احمر انجام گردید و طی فرایندی این گام ارزشمند سید به پایگاه‌های در خدمت مقاومت و مردم مقاوم جنوب تبدیل شد.

دلیل اصلی اینکه آقای طباطبایی با آن همه برکات و ثمره‌ای که در طول حیات‌شان دارند، هنوز در ایران زیاد شناخته شده نیستند، چیست؟

این سید بزرگوار برخلاف بعضی‌ها که اول اسم خودشان را مطرح می‌کنند و بعد اسم کارشان را، همه کارها را به نام امام خمینی، جمهوری اسلامی و انقلاب اسلامی انجام داد. هیچ جایی ردی از اسم خودش را تابلو نکرد. جناب سید عیسی در تأمین بودجه خیلی از این پروژه‌ها هم متکی به جمهوری اسلامی نبود و در بسیاری از موارد با کمک خیرین اعم از شیعیان منطقه یا شیعیان خود لبنان به خصوص لبنانی‌های ساکن در کشورهای دیگر کارها را پیش می‌برد. طرح تکفل برای ایتم شهدا که در بنیاد شهید لبنان راه‌اندازی شد، بسیار زیبا بود. در دهه‌ها کشور دنیا افراد متدین و توانمند شیعه در طرح تکفل فرزندان شهدا مشارکت داشتند و سالانه رقمی فراتر از آنچه از بنیاد شهید مرکز پرداخت می‌کردیم، از خیرین شیعه لبنانی در کشورهای مختلف پرداخت می‌شد.

عیسی که پخش نشد!

از جمله بدر بنده به واسطه تجربه همان چند سال زندگی در روستا، همچنان این رابطه را حفظ کرده‌اند. مهم‌ترین کاری که آقای طباطبایی کرده پشتیبانی لجستیکی از حزب الله و خانواده‌های منتسب به گروه حزب الله بوده است.

آقای سید عیسی طباطبایی هفت مؤسسه مختلف برای حمایت از شیعیان در لبنان راه‌انداخته بود. ممکن است بخشی از آن با کمک‌های دولتی جمهوری اسلامی ایران باشد، ولی بخش عمده آن از طریق درآمدزایی‌هایی است که خود ایشان داشته است یا از طریق کمک‌هایی است که از شیعیان غیر ایرانی کسب کرده است.

نکته کلیدی این است که همه پروژه‌های ایشان پروژه‌های موفق بوده است! ایشان در شهر بیروت در جاده فرودگاه یک مسجدی را به اسم مسجد «رسول اعظم» ساخته است.

در بعد از پیروزی انقلاب همان راهی را که کنار مسجد نیز یک بیمارستان بسیار مدرن و «امام موسی صدر»

در لبنان انجام داده مجهز با مشارکت بنیاد شهید در آن زمان ساخته سید عیسی نیز شروع میکند؛ یعنی ارتقای جایگاه است که این را در اختیار حزب الله قرار داده است. اجتماع شیعیان لبنان، کمک و مساعدت به آنچه را که کار کرده، برای خودش نگه نداشته.

نکته بسیار مهم آن این است که مدیریت شیعیان همچنین نهادهای مختلف کمک‌رسانی و در اختیار حزب الله را در لبنان به وجود می‌آورند؛ اعم از کمک به حزب الله قرار داده است بیمارستان محرومان کمک به خانواده شهید، ساخت رسول اعظم در شهر بیروت امکان این را دارد که مساجد و حسینیه‌ها و ساخت بیمارستان. به همه خانواده‌های شهدا و مجروحین حزب الله برای اینکه بیمارستانی در جنوب لبنان سرویس رایگان بدهد و سالی چند میلیون دلار هم نداشت تا رزمندگان حزب الله بتوانند آنجا مداوا از محل سرویسی که به دیگران می‌دهد درآمد، بشوند شروع به ساخت بیمارستان بسیار عظیم شیخ راغب حرب کرد وقتی که جنوب لبنان آزاد شد

خیلی‌ها گفتند که پروژه آقای طباطبایی شکست خورد دیگر جنگی در جنوب لبنان نیست که یک بیمارستان با این عظمت و با این تخصص و این حرفه لازم باشد.

امروز بیمارستان شیخ راغب حرب در جنوب قطب جدی بهداشت و درمان کل جنوب لبنان هست؛ یک مرکز بسیار مهم درمانی و درآمدزا کلی پروژه آب‌رسانی که ادامه داشته و دارد هم از جمله کارهای سید عیسی است. تأسیس کلی از پروژه‌های دیگر هم برعهده سید عیسی بوده است. از آن جمله می‌توان به این موارد اشاره کرد حوزه علمیه‌ای که در «بعلبک» ساختند و فعال بود. مرقد «سیده خوله»، دختر امام حسین که در بعلبک ساختند و فعال است. مراکز فرهنگی امام خمینی که در بیروت فعال هست و... اما فرار از دست پر برکت ایشان نگاه بسیار هوشمندانه و پیشرو ایشان است. از نظر ما مهمترین کاری که ایشان کرده است کاری است که در بحث والمناره کرده است.

لبنان به لحاظ حوزه بین‌المللی در همه سال‌های بعد از انقلاب موفق‌ترین پروژه جمهوری اسلامی ایران در خارج از کشور بوده است. به نظر من اگر پروژه لبنان جمهوری اسلامی ایران به موفقیت رسیده و امروز حزب الله لبنان یک چنین جایگاهی در لبنان و منطقه دارد که مسیحیان لبنان برای حزب الله لبنان می‌میرند.

خواننده مسیحی لبنان، خانم «جولیا بطروس» چنین آهنگی برای حزب الله لبنان می‌خواند و همه این‌ها، به نظر من مرهون یک آدمی به اسم سید عیسی طباطبایی است. سید عیسی آن قدر نگاه پیشرویی داشته و با تمام وجود و با جان و دل کار کرده و خانواده و جانش را کف دستش گرفته که با خنده می‌گوید: خانه من چهار بار کاملاً تخریب شد چهار خانه مختلف با هر آن چه در آن بود. من هیچ چیزی از گذشته خود ندارم چون خانه من با خاک یکسان شده است. هیچ ارشیوی از گذشته‌ام برایش باقی نمانده است. هیچ عکسی، هیچ فیلمی هیچ چیزی نمانده است.



آقای سید عیسی علاوه بر مدیریت مجموعه بنیاد شهید لبنان و کمیته امداد نقش جهادسازندگی را هم در بعضی از روستاهای لبنان ایفا کرده و مشکلات کشاورزها را برطرف می‌کرد. در همان زمان مراکز فرهنگی امام خمینی را هم در شهرهای مختلف لبنان احداث می‌کرد. آسید عیسی در پوست خودش نمی‌گنجید، دائم در تلاش بود تا در هر عرصه‌ای که بتواند، کاری را انجام بدهد